

اندازه‌گیری فقر در ایران بر حسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها: کاربرد شاخص «سن» در ایران*

دکتر فرهاد خداداد کاشی**

چکیده

یافته‌های مقاله حاضر دلالت بر آن دارد که در فاصله سالهای ۶۴ تا ۶۸، فقر در ایران افزایش یافته ولی پس از آن، رو به کاهش گذارده است. این گرایش در مناطق مختلف جغرافیایی، برای مشاغل مختلف، گروههای سنی مختلف و برای سطوح مختلف سواد مورد تأیید تجربی قرار گرفته است.

در این مقاله، به دور از جنجالهای رایج پیرامون خط فقر، از شاخص فقر سن^۱ برای اندازه‌گیری فقر در ایران و نحوه تحول آن استفاده شده است. این شاخص اطلاعات مربوط به تعداد افراد (خانوارهای) فقیر و نحوه توزیع درآمد و شکاف درآمدی را در بر دارد. مطابق انتظار قبلی، شاخص فقر برای مناطق چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، سیستان و بلوچستان بیش از سایر مناطق می‌باشد و استانهای تهران، فارس، اصفهان در مقایسه با سایر نواحی جغرافیایی کمترین فقر را دارند. خانوارهایی که سرپرست آنها در امور ساختمانی و بانکی فعالیت دارند در مقایسه با سایر فعالیتهای از شرایط رفاهی بهتری برخوردار هستند. فقر چندان به سن سرپرست خانوار حساس نمی‌باشد. اما با افزایش سطح سواد سرپرست خانوار، از حجم فقر کاسته می‌شود.

کاهش فقر از سال ۶۸ به بعد الزاماً ناشی از موفقیت برنامه تعدیل نیست بلکه خاتمه جنگ می‌تواند در این امر دخیل باشد. این مقاله از دو ویژگی برخوردار است. اول، محاسبه

* این مقاله بخشی از یافته‌های طرح پژوهشی تحت عنوان «روند فقر و توزیع درآمد در ایران» می‌باشد.

** استادیار سازمان مرکزی دانشگاه پیام نور و پژوهشگر مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

شاخص فقر «سن» برای اولین بار در ایران و به اعتبار تقسیم‌بندی‌های مختلف، ویژگی دوم، استفاده از داده‌های خام بودجه خانوار و محاسبه فقر بر حسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی می‌باشد.



مقدمه

هدف این مقاله، ارایه تصویری از فقر در ایران می‌باشد. در تحقیقات و مطالعات انجام شده در زمینه فقر در ایران، مسایلی چون خط فقر، توزیع درآمد، تعداد افراد و خانوارهای فقیر، مورد توجه بوده ولی تاکنون اقدامی جهت محاسبه فقر بر حسب شاخصی با پایه‌های نظری مستدل و قوی صورت نگرفته است. همین امر، انگیزه نگارش این مقاله می‌باشد.

پس از شروع برنامه تعدیل اقتصادی و آزادسازی قیمت‌ها و حذف تدریجی یارانه‌ها، انتظار می‌رفت بخشی از جامعه به ویژه افرادی که حقوق بگیر و دارای درآمد ثابت هستند، در تأمین معاش خود دچار مشکل شوند. این افراد، عمدتاً کسانی هستند که فاقد دارایی درآمدها، سرمایه و امکانات می‌باشند. بر این اساس، در محافل دانشگاهی و نهادهای دولتی، تحقیقاتی راجع به فقر و نابرابری، سیاستهای حمایتی و راههای مقابله با فقر صورت گرفت.^۱ اکثر این کارهای تحقیقاتی، به نوعی با خط فقر مرتبط بوده و در واقع، کوشش تمامی این مطالعات عبارت از این بود که به نوعی، تعداد افراد (خانوارهای فقیر را اندازه گیری نمایند. ولی هیچگاه برای محاسبه و تخمین شاخص فقری که دارای زیربنای قوی نظری باشد، اقدامی نشد. شاخصهایی چون درصد افراد فقیر و شکاف درآمدی، اگر چه روشن کننده جنبه‌ای از ابعاد فقر هستند ولی هرگز از زیربنای نظری مستدل برخوردار نبوده و به تنهایی اطلاع کافی از میزان فقر جامعه ارایه نخواهند داد. بر این اساس، در مقاله حاضر با استناد به کارهای نظری معتبر، میزان فقر در ایران بر حسب شاخص «سن» محاسبه می‌شود تا به کمک آن بتوان سیاستگذاری امحاء فقر را با اطلاع کاملتری تدوین نمود.

این شاخص، فقر را با توجه به سه عنصر مؤثر در فقر یعنی جمعیت، کمبود امکانات و درآمد و نحوه توزیع درآمد محاسبه می‌کند. در واقع، تعیین تأثیر هر یک از این عناصر بر اندازه فقر، گام مؤثری در تدوین سیاستهای ضد فقر است. اگر چه شناخت تعداد افراد فقیر بر اطلاع ما از فقر می‌افزاید، ولی کافی نیست و در واقع برای اندازه گیری فقر باید از شاخصی سود جست که تأثیر عناصر مؤثر بر فقر را در بر داشته باشد. در پاسخ به این نیاز، در این مقاله، فقر در جمهوری اسلامی ایران بر حسب شاخص «سن» و برای نواحی جغرافیایی مختلف بر حسب نوع فعالیت سرپرست خانوار، سواد سرپرست خانوار و سن سرپرست خانوار محاسبه می‌شود. دوره‌زمانی این مطالعه سالهای ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۰ می‌باشد.

۲. نگارنده مقاله در تعدادی از این طرحها مشارکت داشته است.

بخش اول این مقاله، مدخلی بر فقر و تعاریف آن می‌گشاید. در بخش دوم، تعدادی از روشهای اندازه‌گیری فقر، معرفی می‌شود. بخش سوم، شاخص فقر «سن» و نحوه استخراج آن را بررسی می‌نماید. در بخش چهارم، با کاربرد داده‌های خام طرح آمارگیری بودجه خانوار مرکز آمار ایران، شاخص فقر به اعتبار تقسیم‌بندی‌های مختلف محاسبه و تصویر گویایی از فقر در ایران معرفی می‌شود.

۱. فقر و تعاریف آن

در گذشته‌های نه چندان دور، اقتصاددانان کمتر در مسایلی همچون فقر و توزیع درآمد دخالت می‌کردند اما به مرور، با تکوین و توسعه اقتصاد رفاه، اقتصاددانان از جسارت کافی برای بیان نظر و رای خود راجع به فقر و توزیع درآمد برخوردار شدند.

پیگو، پیشرو اقتصاددانان در بحث توزیع درآمد و فقر می‌باشد. از نظر وی، انتقال درآمد از فرد ثروتمند به یک فرد فقیر رفاه کل جامعه را افزایش می‌دهد. وی و پیروانش فقر را در ربط کامل با رفاه بررسی نمودند. از نظر آنها، فقر به وضعیتی اطلاق می‌شود که رفاه از یک سطح حداقل، کمتر باشد. این طرز تفکر مستلزم آن است که اول، رفاه تک تک افراد قابل اندازه‌گیری و دوم، قابل مقایسه باشد. اندیشمندانی که در حوزه مکتب مطلوبیت‌گرایی قرار داشتند، چنین امری را امکانپذیر می‌دانند و به همین دلیل، مطالعه فقر و شناخت عوامل تعیین‌کننده آن را منوط به شناخت عوامل تعیین‌کننده رفاه، می‌دانند. یکی دیگر از فروض مکتب مطلوبیت‌گرایی، نزولی بودن مطلوبیت نهایی است. نتیجه مهم این فرض عبارت از این است که با توزیع مجدد درآمد و انتقال درآمد از ثروتمندان به فقراء، رفاه جامعه را می‌توان افزایش داد.

مخالفین مکتب مطلوبیت‌گرایی، فروض این مکتب را مورد انتقاد قرار دادند. از نظر منتقدین، مطلوبیت مفهومی غیر قابل مشاهده و لذا اندازه‌گیری رفاه و مقایسه رفاه افراد مختلف، غیر ممکن است. صرفنظر از بحث و جدل موجود میان مکتب مطلوبیت‌گرایی و مخالفین آن، این سؤال مطرح است که فقر چیست و در تعریف آن چه عناصری باید لحاظ شود. آیا در تعریف فقر صرفاً نیازهای خاصی مثلاً نیازهای اساسی و اصلی باید لحاظ شود یا تمامی نیازهای یک فرد، اعم از اصلی و غیر اصلی می‌باید لحاظ شود. نیاز از یک فرد به فرد دیگر و یا از یک خانوار به خانوار دیگر متفاوت است زیرا سلاقی آنها متفاوت است و به همین دلیل اگر کالاهای ضروری و اصلی در سبد مصرفی یک خانوار کمتر از

خانوار دیگر باشد، نمی توان حکم کرد که خانوار اولی فقیرتر است. اما بعضی از دانشمندان معتقدند خالی بودن سبد مصرفی از اقلام اساسی، به منزله فقر است. هنوز دانشمندان راجع به تعریف فقر و چگونگی اندازه گیری خط فقر به توافق نرسیده اند. شاید میزان دسترسی فرد به منابع و کالا معیار مناسب تری برای تعریف فقر نسبت به سایر تعاریف خط فقر باشد.

میزان دسترسی به منابع و امکانات به شکل های مختلف، از تعاریف پولی تا شاخص هایی که معرف مرتبت و موقعیت اجتماعی و اقتصادی خانوار می باشند، تعریف شده است. برای تعیین امکانات خانوار و میزان دسترسی آن به کالاها و خدمات باید درآمدهای پولی و غیرپولی مثل تولید خانگی و ... را در نظر گرفت. به علاوه، عده ای معتقدند فراغت، بخشی از منابع در دسترس خانوار می باشد. عده ای نیز معتقد هستند، در تعریف فقر نباید صرفاً به نیازهای مصرفی خانوار توجه داشت بلکه پس انداز را نیز باید لحاظ نمود. زیرا، تأکید صرف بر مصارف خانوار، خانواری را که دارای پس انداز بالاست، فقیر معرفی می کند. بر این اساس، می توان با لحاظ کردن فراغت، پس انداز و تولید خانگی به شاخص مناسبی برای مفهوم «دسترسی به منابع و امکانات» دست یافت تا در ارزیابی میزان فقر خانوارها و مقایسه بین آنها دچار اشتباه نشویم. پرداختهای انتقالی دولت و شرکتها به خانوارها و انواع کمکهای غذایی، مراقبتهای بهداشتی و مسکن که مجانی در اختیار آنها قرار می گیرد نیز باید در این شاخص لحاظ شود.

خط فقر به معنی میزان منابعی است که خانوار برای رسیدن به یک سطح معین رفاه نیاز دارد. این سطح رفاه به آستانه فقر معروف است و افرادی که رفاهشان کمتر از آن باشد، فقیر تلقی می شوند. خط فقر به شکل های مختلف تعریف شده است. در تعریف خط فقر باید راجع به چند مسأله تصمیم گرفت: الف. آیا مفهوم نسبی یا مطلق فقر مورد توجه است.

ب. برای تعیین خط فقر خانوارها با خصوصیات و ابعاد مختلف از چه مقیاس معادلی استفاده شود.

ج. آیا از خط فقر عینی استفاده شود و یا از خط فقر ذهنی.

اگر خط فقر بر اساس مفهوم مطلق آن تعریف شود، در این صورت بهترین سیاست برای حذف فقر، رشد و توسعه اقتصادی است و اگر فقر بر اساس مفهوم نسبی آن در نظر گرفته شود، در این صورت با کاهش نابرابری در آمد، می توان فقر را کاهش داد. از آنجا که این مقاله قصد بررسی روشهای مختلف اندازه گیری خط فقر را ندارد لذا، بحث خط فقر در همین جا خاتمه می یابد و بر این نکته تأکید می شود

که فقیر به کسی اطلاق می‌شود که اول، قادر به تأمین نیازهای اساسی نباشد، دوم، در مقایسه با سایر افراد در موقعیت و منزلت پایتتری قرار داشته باشد و سوم، فرد فقیر دارای این احساس است که برای گذران زندگی به اندازه کافی درآمد و منابع در اختیار ندارد.

۲. اندازه‌گیری فقر

به منظور اندازه‌گیری فقر، ابتدا باید به نحوی فقیرها را از غیر فقیرها جدا نمود. برای این کار باید از ملاک و معیاری به نام خط فقر سود جست، خط فقر مقدار معین و لایتغیری نیست و بسته به مفهومی که از فقر مراد داریم، مقدار آن متفاوت خواهد بود و به علاوه، مقدار خط فقر به زمان و مکان نیز حساس است. پس از تعیین آستانه فقر و تمیز فقیر از غیر فقیر، باید فقر را بر حسب شاخصی که دارای زیربنای نظری مستدل است، محاسبه نمود. تا سال ۱۹۷۶، برای محاسبه و تخمین خط فقر و تمیز فقیر از غیر فقیر کوشش‌های زیادی صورت گرفت ولی اقدامی در جهت ساختن شاخص فقری که دارای زیربنای نظری قوی باشد، انجام نشد. تا قبل از این سال، برای اندازه‌گیری فقر از دو شاخص استفاده می‌شد که یکی از این دو، درصد افراد فقیر در کل جمعیت و دیگری شکاف فقر بود. اما این شاخصها فاقد زیربنای نظری بودند و همچنین دارای نقاط ضعف دیگری نیز بودند که در ذیل به طور اجمال به آنها اشاره می‌شود.

ابتدا شاخص «درصد افراد فقیر» بررسی می‌شود. این شاخص به صورت زیر تعریف می‌شود.

$$H = \frac{M}{N} \times 100$$

M تعداد افراد (خانوارها) فقیر در جامعه، N کل افراد (خانوارها) جامعه و H اندازه فقر بر حسب شاخص «درصد افراد فقیر» است.

شکاف فقر، معیار دیگری برای محاسبه فقر است. این معیار در واقع، مجموع انحراف درآمد فقرا از خط فقر را به صورت درصدی از خط فقر بیان می‌کند.

$$P.G = \frac{\sum_{i=1}^M g_i}{L}$$

P.G. شکاف فقر، $\sum_{i=1}^M g_i$ مجموع انحراف درآمد فقیرها نسبت به خط فقر و L خط فقر می‌باشد.

$$g_i = L - x_i$$

x_i درآمد فرد نام و g_i شکاف درآمدی فرد نام و یا به عبارت دیگر میزان کمبود درآمد وی نسبت به خط فقر است. برای افراد فقیر $g_i > 0$ و برای غیر فقیرها $g_i < 0$ است. همانطور که اشاره شد، این دو شاخص دارای معایبی می باشند و برای نمایش ضعف آنها از دو اصل بدیهی به نامهای اصل انتقال^۳ و اصل یکنوایی^۴ کمک گرفته می شود.

الف. اصل یکنوایی

کاهش درآمد فردی که در زیر خط فقر قرار دارد موجب افزایش فقر خواهد شد. در واقع، این اصل ناظر به این مسأله است که اندازه فقر نسبت به درآمد فقرا و تغییرات آن حساس می باشد، یعنی یک رابطه یک به یک و معکوس بین اندازه فقر و درآمد فقرا برقرار است. لذا یک شاخص خوب باید با این اصل سازگار باشد.

با مراجعه به ساختمان شاخص H ، می توان تشخیص داد که این شاخص با اصل یکنوایی سازگار نیست زیرا تحت شرایطی درآمد افراد فقیر دستخوش تغییر و تحول می شود بدون اینکه از یک طرف خط فقر به سمت دیگر آن، جابجایی صورت گیرد. در واقع، در چنین حالتی به رغم تغییر درآمد و تغییر شکاف درآمدی فقیرها، تعداد آنها ثابت و در نتیجه شاخص H نیز ثابت خواهد ماند. بنابراین، این شاخص به شکاف درآمدی فقیرها حساسیت کامل نشان نمی دهد. شکاف فقر نسبت به این اصل حساس می باشد و با تغییر درآمد فقرا اندازه شکاف فقر نیز تغییر می کند.

ب. اصل انتقال

انتقال درآمد از فردی که در زیر خط فقر قرار دارد به سمت فردی که وضعیت بهتری نسبت به او دارد، موجب افزایش فقر خواهد شد.

این اصل، در واقع ناظر بر توزیع درآمد بین فقرا است. با بررسی معیار H می توان اظهار داشت که این شاخص با اصل انتقال، سازگاری کامل ندارد زیرا این انتقال درآمد نه فقط موجب افزایش H نخواهد

3. Transfer Axiom

4. Monotonicity Axiom

شد، بلکه تحت شرایطی ممکن است باعث کاهش آن نیز گردد. بنابراین، شاخص H نسبت به توزیع درآمد بین فقرا حساس نمی‌باشد.

شاخص دیگر یعنی شکاف فقر نیز با این اصل موضوع سازگاری کامل ندارد زیرا با انتقال درآمد از یک فرد فقیر به فرد فقیر دیگر، میزان مجموع انحراف درآمد فقرا نسبت به خط فقر، دستخوش تغییر نخواهد شد. بنابراین، هیچیک از دو شاخص H و $P.G.$ با اصل موضوع انتقال سازگاری کامل ندارند. شایان یادآوری است که شاخص H با اصل یکنوایی سازگار نیست ولی $P.G.$ با آن سازگار است.

۳. شاخص فقر «سن»

آمارتیا سن^۵ اولین فردی است که برای اندازه‌گیری فقر، شاخصی تدوین نمود که از پشتوانه نظری مستدل برخوردار می‌باشد. با توجه به مشکلات نظری شاخصهایی همچون H و $P.G.$ ، سن در صدد درآمد تا با کاربرد روش آکسیوماتیک، شاخص فقری بسازد که دارای زیربنای نظری باشد و در عین حال فاقد ضعفهای شاخصهای قبلی باشد.

وی برای ساختن شاخص خود از مفهوم رتبه‌ای رفاه استفاده نمود و خود را به مفهوم کاردینال (عددی) رفاه محدود نمود. وی کوشش نمود تا به ترتیبی محرومیت نسبی را در شاخص فقر لحاظ کند. نقطه شروع کار وی یک سری اصول آکسیوماتیک معقول و قابل پذیرش بود و شاخصی که در نهایت معرفی نمود متأثر از سه عنصر بود: درصد افراد فقیر، شکاف فقر و توزیع درآمد بین فقرا. از نظر سن، محرومیت نسبی مهمترین عامل و هسته مرکزی فقر می‌باشد و برای اینکه محرومیت نسبی را در اندازه‌گیری فقر لحاظ کند، رفاه افراد فقیر را رتبه‌بندی نمود و سپس به شکاف درآمدی هر یک و وزنه‌ای معادل رتبه رفاه همان فرد فقیر نسبت داد. بنابراین، فرد فقیری که در مقایسه با سایرین از رفاه کمتری برخوردار است، تأثیر بیشتری در شاخص فقر سن دارد.

در روش وی، افراد جامعه بر حسب رتبه درآمدشان شماره گذاری می‌شوند و سپس با توجه به خط فقر جامعه به دو گروه فقیر و غیرفقیر تفکیک می‌شوند. اگر I خط فقر باشد در این صورت $S(L)$ مجموعه افرادی است که درآمدشان از خط فقر بیشتر نمی‌باشد. شکاف درآمدی تک تک افراد جامعه به ترتیب زیر محاسبه می‌شود.

$$g_i = L - x_i \quad i=1, \dots, M$$

برای تمامی فقرا g_i مثبت می باشد و برای غیر فقیرها منفی است. سپس، آمار تپاسن شکاف درآمدی جامعه را به صورت حاصل جمع وزنی شکاف درآمدی افراد جامعه تعریف می نماید:

$$\phi(x) = A \sum_{i=1}^N g_i v_i$$

$\phi(x)$ شکاف درآمدی، x آن درآمدی است که شکاف نسبت به آن اندازه گیری می شود، g_i شکاف درآمدی فرد i ام، N تعداد افراد جامعه، v_i وزنه اهمیت شکاف درآمدی فرد i ام و A ضریب نرمالیزاسیون است. هر چه فرد، فقیرتر باشد v_i بزرگتر خواهد بود. از ضریب نرمالیزاسیون استفاده می شود تا شاخص فقر بین صفر و یک مقدار اختیار کند. شکاف درآمدی را برای هر زیر مجموعه ای از جامعه می توان به طور جداگانه محاسبه نمود. سن، اندازه فقر را معادل بیشترین شکاف درآمدی در نظر گرفت. یعنی:

$$P = \text{Max } \phi(x)$$

بدیهی است از آنجاکه g_i برای افراد فقیر غیر منفی است، بیشترین مقدار $\phi(x)$ برابر است با مجموع شکاف درآمدی مجموعه فقرا:

$$P = \phi(L)$$

آیا تمامی فقرا و شکاف درآمدی آنها تأثیر یکسانی بر این شاخص دارند؟ مطمئناً خیر. هر چه یک فرد فقیرتر باشد با شدت بیشتری شاخص فقر را متأثر می کند. با لحاظ نمودن این امر، محرومیت نسبی در شاخص فقر منظور خواهد شد و این کار از طریق وزنه شکاف درآمدی امکانپذیر است. سن برای تعیین وزنه ها (v_i ها) به یک سری اصول آکسیوماتیک احتیاج داشت. اگر رفاه فرد فقیر i ام کمتر از رفاه فرد فقیر j ام باشد یعنی $w_j > w_i$ ، در این صورت بنا بر ملاحظات عدالت خواهانه، برای ساختن شاخص فقر به فرد i ام وزنه بیشتری می دهیم.

اصل موضوع E (عدالت نسبی): $w_j > w_i \Rightarrow v_i > v_j$ اگر

اما مشکل دیگر این است که چگونه رفاه افراد را می توان رتبه بندی نمود. یک راه عملی این است که فرض کنیم هر فرد که در آمد بیشتری دارد رفاه بیشتری نیز دارد. یعنی:

اصل موضوع M (تناظر رفاه و درآمد): $y_j > y_i \Rightarrow w_j > w_i$ اگر

البته، مواردی را می‌توان یافت که خلاف این امر مصداق داشته باشد ولی سن معتقد بود در ساختن شاخص فقر نباید به موارد استثنایی توجه نمود.

مشکل دیگر این است که وزنه اهمیتی هر یک از فقرا چگونه کمی می‌شود. برای تعیین وزنه شکاف درآمدی هر یک از فقرا مثلاً فرد فقیر M از رتبه رفاه وی در مقایسه با سایر فقرا استفاده می‌شود. برای مثال، اگر در جامعه، M فرد فقیر وجود داشته باشد، رتبه رفاه M فرد فقیر به صورت زیر تعیین می‌شود.

$$V_i = M + 1 - i \quad \text{اصل موضوع } R \text{ (رتبه‌بندی وزنه‌ها):}$$

در واقع سن با این کار سعی نمود مفهوم نسبت را در شاخص فقر لحاظ کند. هر چه سطح رفاه فرد کمتر باشد، محرومیت و فقر او بیشتر و لذا وزنه شکاف درآمدی وی (V_i) نیز بیشتر خواهد بود و تأثیر بیشتری در شاخص فقر خواهد داشت. اگر در جامعه ۱۰ فرد فقیر موجود باشد، وزنه اهمیتی شکاف در آمدی فقیرترین فرد جامعه برابر با ۱۰ خواهد بود زیرا:

$$V_1 = 10 + 1 - 1 = 10$$

سن، پس از در نظر گرفتن آکسیومهای فوق، با انجام عملیاتی نشان داد که شاخص زیر با آکسیومهای یاد شده سازگار است.

$$P = H [I + (1-I)G]$$

H ، درصد افراد فقیر $I = \frac{\sum_{i=1}^M g_i}{MZ}$ که اصطلاحاً به نسبت شکاف درآمدی موسوم است و G ضریب جینی توزیع درآمد بین فقرا می‌باشد. G ، شکاف درآمدی نسبت به توزیع یکسان درآمدها و I ، شکاف درآمدی نسبت به خط فقر است. در رابطه فوق، P شاخص فقر است که در واقع برابر با جمع وزنی دو شکاف I و G است. از آنجاکه P به عناصر مختلف تجزیه شده است معیار مناسبی برای سیاست‌گذاری جهت امحاء فقر است. لازم به یادآوری است که اگر درآمد تمامی افراد جامعه برابر باشد، در این صورت $G = 0$ و لذا خواهیم داشت:

$$P = HI$$

در پایان این بخش، تأکید می‌کنیم که این شاخص بر حسب امکان مقایسه رتبه‌ای رفاه افراد فراهم آمده است و از شکاف درآمدی افراد فقیرتر بیشتر متأثر می‌باشد. این شاخص، متأثر از سه عنصر است:

شکاف درآمدی، توزیع درآمد بین فقرا و تعداد افراد فقیر، و بین صفر تا یک مقدار اختیار می‌کند.

۴. محاسبه فقر در ایران

در مقاله حاضر، به منظور محاسبه فقر در ایران، شاخص «سن» انتخاب شده است. داده‌های لازم برای تخمین این شاخص، از داده‌های خام طرح آمارگیری بودجه خانوار مرکز آمار ایران فراهم آمده است و دوره مورد بررسی نیز سالهای ۷۰-۱۳۶۴ می‌باشد. همانطور که قبلاً اشاره شد هدف این مقاله، ارزیابی تصویر نسبتاً جامعی از فقر در ایران می‌باشد. در پاسخ به این نیاز، تصمیم بر آن شد که اول، فقر برای نواحی جغرافیایی مختلف محاسبه شود، لذا استانهای کشور به ۷ گروه تفکیک گردید و برای هر یک از این نواحی مقدار فقر محاسبه شد. دوم، تصمیم گرفته شد فقر با توجه به نوع فعالیت سرپرست خانوار محاسبه شود. فعالیتهایی نظیر کشاورزی، صنعت و معدن، ساختمان، بانکداری، حمل و نقل و ارتباطات، خدمات، تجارت و خدمات عام‌المنفعه مورد توجه قرار گرفته‌اند: سوم، فقر بر حسب پایه سواد سرپرست خانوار محاسبه شد. چهارم، فقر به اعتبار سن سرپرست خانوار نیز محاسبه شده است و در آخر، فقر بر حسب نوع اشتغال (کارفرما، کارکن مستقل، کارکن بخش عمومی، کارکن بخش خصوصی و کارکن فامیلی) مورد محاسبه قرار گرفته است.

برای محاسبه شاخص فقر ابتدا می‌باید به ترتیبی خط فقر محاسبه شود. با توجه به اینکه ساختار اقتصادی ایران متفاوت از کشورهای توسعه یافته است لذا مفهوم مطلق فقر مفهوم مناسب‌تری برای تعیین خط فقر در ایران است. زیرا اساساً هنوز بخش قابل توجهی از مردم درگیر نیازهای اساسی خود می‌باشند. به همین دلیل، برای تعیین خط فقر از رویکرد نیاز اساسی و خط فقر محاسبه شده توسط پژویان (۱۲) استفاده می‌کنیم. در رویکرد نیازهای اساسی، به منظور محاسبه خط فقر از روشهای مختلف می‌توان استفاده کرد. یکی از این روشها، محاسبه هزینه مواد غذایی لازم برای ادامه زیست است و پس از آن با کاربرد روشهایی می‌توان کل درآمد مورد نیاز برای ادامه زیست را محاسبه نمود. برای مثال، یک راه این است که هزینه مواد غذایی را در معکوس ضریب انگل ضریب کنیم. پژویان، ابتدا ارزشهای غذایی (انرژی و پروتئین، کلسیم...) که هر یک از دهکهای درآمدی دریافت نموده‌اند را محاسبه نمود و سپس مشخص نمود کدامیک از دهکهای درآمدی کمتر از حد استاندارد ارزشهای غذایی دریافت نموده‌اند و با انجام عملیاتی توانست هزینه ریالی تأمین حداقل نیازهای غذایی را

محاسبه نماید و سپس آن را به کل هزینه‌های خانوار تعمیم داد و خط فقر را محاسبه نمود. البته، وی خط فقر را با دو سناریوی متفاوت محاسبه نمود. در یک سناریو، حداقل انرژی مورد نیاز روزانه را ۲۱۶۸ کالری و در سناریو دیگر ۲۰۰۰ کالری مدنظر قرار داد. برای مثال، در سال ۶۸ هر فرد شهری برای تأمین ۲۱۶۸ کالری روزانه و سایر نیازهایش به ۲۵۵۳۴۸ ریال نیازمند بوده و برای تأمین ۲۰۰۰ کالری روزانه و سایر نیازهای متناسب با آن به ۲۱۱۰۹۷ ریال نیازمند بوده است.

پس از تعیین خط فقر، خانوارهای نمونه در طرح آماری بودجه خانوار به دو گروه فقیرها و غیرفقیرها تقسیم شدند و سپس، برای هر خانواده شکاف درآمدی محاسبه گردید. به علاوه، برای مجموعه افراد فقیر شکاف فقر و نسبت شکاف در آمدی و ضریب جینی محاسبه شد. بنابراین، تمامی عناصر لازم برای محاسبه شاخص فقر «سن» مهیا شد. این عناصر عبارت‌اند از نسبت شکاف درآمدی، ضریب جینی توزیع درآمد بین فقرا و درصد افراد فقیر. این محاسبات برای هر یک از مناطق جغرافیایی (۷ منطقه) و برای هر یک از فعالیتهای شغلی و برای هر یک از رده‌های سنی و برای هر یک از سطوح تحصیلات به طور جداگانه محاسبه شد و نتایج محاسبات در جداول (۱) تا (۷) برای سالهای ۶۴، ۶۹ و ۷۰ درج شده است.

جدول ۱- شاخص فقر در نواحی شهری

سال	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰
P شهر	۰/۱۵	۰/۲۱۱۲	-/۲۲۹۶	۰/۲۴۸۳	۰/۲۵۳	۰/۱۹۸۴	۰/۱۸۰۸
روستا	—	۰/۱۱۴۶۹	۰/۰۹۰۹	۰/۱۱۱۵	۰/۱۱۰۰	۰/۰۸۲۷	۰/۰۹۵۷

مأخذ: طرح روند فقر و توزیع درآمد به اعتبار خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

در فاصله سالهای ۶۴ تا ۷۰، فقر در نواحی شهری ابتدا یک مسیر صعودی و نهایتاً مسیر نزولی را تجربه نموده است. از سال ۶۴ تا ۶۸ دائماً شاخص فقر افزایش نشان می‌دهد و مقدار آن از ۰/۱۵ در سال ۶۴ به بیشترین مقدار خود یعنی ۰/۲۵۳ در سال ۶۸ افزایش یافته است. از سال ۶۹ به بعد مقدار فقر

کاهش نشان می دهد. در این جدول اندازه فقر در جوامع روستایی طی سالهای ۶۵ تا ۷۰ نیز درج شده است. همانگونه که ملاحظه می شود فقر در جوامع روستایی کمتر از جوامع شهری است. در ابتدا شاید این تصویر صحیح به نظر نرسد، اما اگر به ساختمان شاخص فقر دقیق شویم، تصویر فوق منطقی جلوه می کند. در مناطق روستایی توزیع درآمد عادلانه تر از مناطق شهری است و توزیع درآمد بین فقرا یکی از اجزای شاخص فقر است. به علاوه یافته های تحقیقاتی پیرامون وضعیت تغذیه خانوارها دلالت بر پایین بودن شکاف تغذیه در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری دارد. بنابر این، درصد افراد فقیر در مناطق شهری نیز بیشتر از مناطق روستایی است و بدین ترتیب، بالا بودن شاخص فقر در شهرها قابل توجیه است.

یکی از مشکلات برنامه های حمایتی، شناسایی گروه های هدف و اقشار نیازمند است. تفکیک خانوارهای کشور، بر حسب نوع فعالیت اقتصادی سرپرست خانوار، یک روش عملی برای شناسایی گروه های هدف است. در پاسخ به این نیاز، خانوارهای کشور بر حسب نوع فعالیت اقتصادی سرپرست خانوار به ۹ گروه عمده تقسیم شده و برای هر یک از این گروه ها، به طور جداگانه، نسبت شکاف درآمدی، درصد افراد فقیر و ضریب جینی توزیع درآمد محاسبه و در نهایت، مقدار فقر تعیین گردیده است. یافته ها مویده آن است که در سال ۶۴ خانوارهایی که سرپرست آنها در بخش های کشاورزی، ساختمان و بانکداری و خدمات اشتغال داشته، دچار فقر نبوده و تمامی این خانوارها به حداقل درآمد و امکانات برای ادامه زیست دسترسی داشته و بالاتر از خط فقر قرار گرفته اند. در همین سال، فقر در بین خانوارهایی که سرپرست آنها در بخش صنعت و معدن فعالیت داشته در مقایسه با سایر خانوارها، گسترده تر و شدیدتر بوده است.

جدول ۲- اندازه فقر خانوارها با توجه به نوع فعالیت سرپرست خانوار

سال	کشاورزی و معدن	صنعت	ساختمان	بانکداری	حمل و نقل و ارتباطات	خدمات	تجارت	خدمات عام المنفعه	سایر
۱۳۶۴	-	۰/۱۷۶۲	۰	۰	۰/۰۷۵۳	۰	۰/۱۵۳۸	۰/۰۴۶۱۱	۰/۱۲۶۹
۱۳۶۶	۰/۱۶۱۶	۰/۲۴۶۳	۰	۰	۰/۱۱۴۰	۰/۰۳۳۳	۰/۲۸۷۰	۰/۰۳۳۹	۰/۱۷۵۹
۱۳۷۰	۰/۰۵۴۴۹	۰/۲۰۲۲۸	۰	۰	۰/۱۰۲۷۲	۰/۰۹۰۴	۰/۲۳۹۰	۰/۰۵۰۶۹	۰/۰۸۸۲۳

همان مأخذ

در جدول (۲) مقدار فقر بر حسب نوع فعالیت اقتصادی درج شده است. ارقام درج شده در این جدول، مقدار شاخص فقر سن را نمایش می‌دهند. در بخشهای قبلی، اشاره شد که شاخص سن بین صفر و یک مقدار اختیار می‌کند و به همین دلیل ملاحظه می‌شود که اعضای خانواده کارکنان بخش‌های ساختمان، بانکداری و خدمات درگیر فقر نبوده‌اند. به علاوه، کارکنان بخش خدمات و خدمات عام‌المنفعه نیز به طور نسبی کمتر دچار فقر می‌باشند. در سال ۱۳۶۴، شاخص فقر برای خانوارهایی که سرپرست آنها در بخش صنعت و معدن فعالیت می‌کنند، معادل ۰/۱۷۶، و برای خانوارهای فعال در بخش تجارت ۰/۱۵۳، خانواده‌های فعال در خدمات عام‌المنفعه ۰/۰۴۶ و برای خانواده‌های فعال در حمل و نقل و ارتباطات ۰/۰۷۵ می‌باشد.

تصویر فوق برای سال ۶۴ ترسیم شده است. در صورتی که همین تصویر در سالهای اخیر تکرار شده باشد، می‌توان ادعا نمود که افراد فعال در بخشهای صنعت و معدن، و تجارت در مقایسه با دیگران برای گذران زندگی با مشکلات بیشتری مواجه‌اند. تصویر سال ۶۴ تقریباً در سالهای ۶۹ و ۱۳۷۰ تکرار شده است.

۴-۱. اندازه فقر بر حسب مناطق جغرافیایی

در تنظیم سیاستهای حمایتی، نباید صرفاً به یک معیار جهت تعیین گروههای هدف اکتفا نمود. علاوه بر نوع فعالیت، می‌توان اندازه فقر را بر حسب معیارهای دیگر نیز محاسبه نمود. بر همین اساس، اندازه فقر بر حسب مناطق جغرافیایی نیز محاسبه شده است. محاسبه فقر برای هر یک از استانهای کشور، درصد خطای اندازه گیری را افزایش می‌دهد زیرا تعداد اعضای نمونه در هر سال محدود است لذا تصمیم گرفته شد تا استانهای کشور با توجه به شباهتهایشان به ۷ گروه تقسیم شوند. استانهای محروم مثل چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و سیستان و بلوچستان در یک گروه، استانهای مرفه همچون تهران، فارس و اصفهان نیز در یک گروه قرار گرفتند. استانهایی که به لحاظ جغرافیایی و آب و هوایی شبیه و یا مجاور هم هستند نیز در یک گروه قرار می‌گیرند. پس از تفکیک این گروهها، شاخص فقر برای هر یک از این مناطق جغرافیایی محاسبه، و نتایج در جدول (۳) درج شده است.

جدول ۳- اندازه فقر بر حسب مناطق جغرافیایی

اندازه فقر			سال	گروه
۷۰	۶۹	۶۴		
۰/۲۲۵	۰/۲۳۸	۰/۲۲	۱. چهارمحال، کهگیلویه، ایلام، سیستان و بلوچستان	
۰/۰۸۳۳	۰/۰۹۱	۰/۰۹۴۴	۲. تهران، فارس، اصفهان	
۰/۱۵۴۳	۰/۱۷۰۱	۰/۱۶۷۸	۳. مرکزی، کرمان، یزد، سمنان	
۰/۲۳۴۲	۰/۲۲۴۳	۰/۱۸۲۲	۴. آذربایجان غربی و شرقی، زنجان	
۰/۱۸۸۷	۰/۱۷۶۹	۰/۱۵۸۰	۵. گیلان، مازندران، خراسان	
۰/۱۴۴۸	۰/۱۴۲۳	۰/۱۲۱۴	۶. خوزستان، لرستان، بوشهر، هرمزگان	
۰/۱۰۳۳	۰/۱۶۰۰۳	۰/۱۳۳۷	۷. کردستان، کرمانشاه، همدان	

همان مأخذ

ارقام جدول فوق موید آن است که خانوارهای گروه (۱) شامل چهارمحال، کهگیلویه، ایلام و سیستان و بلوچستان در مقایسه با سایر مناطق کشور با سختی بیشتری در تأمین نیازهای خود مواجه هستند و شاخص فقر برای آنها بیشتر از سایر مناطق می‌باشد. اندازه فقر منطقه جغرافیایی (۱) در سال ۶۴، ۰/۲۲، در سال ۶۹، ۰/۲۳۸ و در سال ۷۰ معادل ۰/۲۲۵ است. بنابراین، با گذر از سال ۶۴ به ۶۹ بر میزان فقر این ناحیه اضافه شده ولی از مقدار آن در سال ۷۰ کاسته شده است. منطقه (۲) شامل استانهای تهران، فارس و اصفهان در مقایسه با سایر مناطق، کمتر درگیر فقر می‌باشند. اندازه فقر این گروه در سال ۶۴، ۰/۰۹۴، در سال ۶۹، ۰/۰۹۱ و در سال ۷۰ معادل ۰/۰۸۳۳ می‌باشد.

۴-۲. اندازه فقر بر حسب نوع شغل سرپرست خانوار

اندازه فقر خانوارها بر حسب فعالیت سرپرست خانوار در بخشهای مختلف اقتصادی محاسبه و در جدول (۴) درج شده است. در ادامه، فقر بر حسب طبقه‌بندی دیگری از فعالیت سرپرست خانوار و به اعتبار شغل وی بررسی شده است. خانوارهایی که سرپرست آنها دارای مشاغل علمی، فنی تخصصی و

اداری هستند و یا در نیروهای مسلح فعالیت می‌کنند، در مقایسه با سایر مشاغل، از فقر کمتری برخوردار هستند و شاخص فقر برای این خانوارها کمتر از ۰/۱ می‌باشد. اندازه فقر برای افرادی که متصدی امر حمل و نقل می‌باشند، معادل ۰/۱۳ می‌باشد.

جدول ۴- اندازه فقر بر حسب شغل سرپرست خانوار

سال	نامشخص و نیروهای مسلح	علمی - فنی تخصصی عالی‌رتبه	اداری	فروشنده	خدمات	حمل و نقل	سایر
۱۳۶۴	۰/۰۵۶۶	۰/۰۳۶۴	۰/۰۲۶۷۱	۰/۰۷۶۳	۰/۰۸۶۷	۰/۱۳۴۲	۰/۱۷۲۲
۱۳۷۰	-	۰/۰۵۱۱۵	۰/۰۵۳۸۹	۰/۱۰۴۲	۰/۱۱۵۶	۰/۱۶۹۲	۰/۱۴۱۷

همان مأخذ

باید به تفاوت تقسیم‌بندی جداول (۲) و (۴) توجه داشت. چنانکه ملاحظه می‌شود، بعضی از گروه‌های این جداول یکسان هستند. برای مثال، خدمات، حمل و نقل و کشاورزی در هر دو جدول قرار دارند اما خانوارهای مرتبط به خدمات در جدول (۲) متفاوت از خانوارهای مربوط به خدمات در جدول (۴) می‌باشد زیرا بخشی از خانوارهایی که در جدول (۲) زیر عنوان خدمات قرار می‌گیرند در جدول (۴) ممکن است در زیر عنوان علمی، فنی، تخصصی و عالی‌رتبه قرار گیرند. این خانوارها به اعتبار اینکه در بخش خدمات فعالیت می‌کنند، در جدول (۲) زیر عنوان خدمات قرار می‌گیرند ولی به اعتبار اینکه دارای شغل فنی و تخصصی هستند، در جدول (۴) زیر عنوان فنی - تخصصی واقع می‌شوند.

۴-۳. اندازه فقر بر حسب پایه سواد سرپرست خانوار

آیا فقر با سطح سواد سرپرست خانوار رابطه‌ای دارد؟ انتظار این است که با افزایش میزان تحصیلات از حجم فقر کاسته گردد. یافته‌های حاضر دلالت بر این دارد که میزان فقر خانوارهایی که تحصیلات سرپرست آنها لیسانس و بالاتر است، در مقایسه با سایر خانوارها کمتر می‌باشد. اندازه فقر

این خانوارها در سالهای ۶۴ و ۷۰ معادل صفر و در سال ۶۹ نزدیک به صفر (۰/۰۲۶۱) می باشد. با افزایش سطح سواد از میزان فقر کاسته می شود. این مسأله با یافته های سال ۶۴، ۶۹ و ۷۰ سازگار است (صرفنظر از مورد راهنمایی، دبیرستان و دیپلم در سال ۶۴)

جدول ۵- اندازه فقر بر حسب پایه سواد سرپرست خانوار

اندازه فقر			سال
۷۰	۶۹	۶۴	
۰/۲۴۳۹	۰/۲۳۶۶	—	۱. بی سواد
۰/۱۳۱۵	۰/۱۲۶	۰/۱۲۳۶	۲. ابتدایی
۰/۰۷۵	۰/۰۷۷۹	۰/۰۲۲	۳. راهنمایی
۰/۰۴۸۳	۰/۰۴۹۵۳	۰/۱۱۲۷	۴. دبیرستان و دیپلم
۰/۰۳۱۸۵	۰/۰۲۳۴۷	۰/۰۲۹	۵. فوق دیپلم و لیسانس
۰	۰/۰۲۶۲۱	۰	۶. بالاتر از لیسانس و دکتری
۰/۱۴۳۷	۰/۱۳۹۶	۰/۰۹۸	۷. سایر

همان مأخذ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

با انتقال از سال ۶۴ به ۶۹ میزان فقر هر یک از گروههای ۷ گانه جدول بالا، افزایش می یابد (صرفنظر از دبیرستان و دیپلم) با گذر از ۶۹ به ۷۰، اندازه فقر گروههای بی سواد، ابتدایی، فوق دیپلم و لیسانس افزایش و فقر گروههای راهنمایی، بالاتر از لیسانس و دکتری کاهش می یابد. ارقام جدول مؤید آن است که فقر در خانوارهایی که سرپرست آنها کم سواد و یا بی سواد هستند، گسترده تر از سایر گروهها می باشد.

۴-۴. اندازه فقر به اعتبار تصدی در مشاغل

می توان افراد را بر حسب نوع تصدی در مشاغل به پنج گروه تقسیم نمود: کارفرما، کارکن مستقل،

کارکن بخش عمومی، کارکن بخش خصوصی و کارکن فامیلی. یافته‌های ما مویده آن است که بیشترین میزان فقر نزد خانوارهایی است که سرپرست آنها در گروه کارکن فامیلی قرار دارند. طبق بررسی‌های به عمل آمده، کارکن فامیلی به آن دسته از افراد اطلاق می‌شود که فاقد شغل معین و یا زمین جهت کار کشاورزی می‌باشند و از دارایی درآمدها نیز برخوردار نیستند و به صورت فصلی برای دیگران کار می‌کنند.

جدول ۶- اندازه فقر به اعتبار نوع تصدی سرپرست خانوار

اندازه فقر			سال	نوع تصدی
۷۰	۶۹	۶۵		
۰/۱۰۸۵	۰/۱۱۸۸	۰/۰۹۲۵		۱. کارفرما
۰/۱۸۸	۰/۱۷۷۲	۰/۲۴۲۶		۲. کارکن مستقل
۰/۰۷۰	۰/۰۷۸۳	۰/۰۷۵۲		۳. کارکن بخش عمومی
۰/۲۴	۰/۲۲۲۷۱	۰/۲۷۴		۴. کارکن بخش خصوصی
۰/۲۷۸	-	۰/۴۱		۵. کارکن فامیلی

همان مأخذ

کمترین میزان فقر مربوط به کارفرما و کارکن بخش عمومی است.

۴-۵. اندازه فقر بر حسب سن سرپرست خانوار

خانوارها را می‌توان به اعتبار سن سرپرست آنها نیز به گروه‌های مختلف، تفکیک و بررسی کرد که آیا رابطه معناداری بین سن سرپرست و میزان فقر خانوار وجود دارد یا خیر. با نگاه به اندازه فقر در جدول شماره (۷) ملاحظه می‌شود که فقر نزد خانوارهایی که سرپرست آنها بیشتر از ۵۶ سال می‌باشد، گسترده‌تر است و در واقع، خانوارهایی که سرپرست آنها در ایام بازنشستگی قرار دارند در مقایسه با سایر خانوارها فقیرتر می‌باشند. این تصویر در تمامی سالها صادق می‌باشد.

جدول ۷- اندازه فقر به اعتبار سن سرپرست خانوار

اندازه فقر			سال	
۷۰	۶۹	۶۵	نوع تصدی	
۰/۱۵۸	۰/۱۶۱۳	۰/۱۲۸	۲۵ سال و کمتر	۱
۰/۱۵۷	۰/۱۵۴	۰/۱۰۹۹	۲۶-۳۵	۲
۰/۱۶۹۹	۰/۱۶۰۷	۰/۱۲۶۷	۳۶-۴۵	۳
۰/۱۷۰	۰/۱۶۵۱	۰/۱۴۱۳	۴۶-۵۵	۴
۰/۱۸۶	۰/۱۸۷۸	۰/۲۰۸	۵۶ به بالا	۵

همان مأخذ

۴-۶. درصد افراد فقیر و شکاف درآمدی

در بحث راجع به شاخص فقر «سن»، به دو شاخص دیگر یعنی درصد افراد فقیر و شکاف درآمدی اشاره شد. در این مقاله، به منظور آنکه یک تعریف عملیاتی از افراد فقیر داشته باشیم، فرض شد افرادی که عملکرد تغذیه‌ای آنها پایین‌تر از حد توصیه شده مراجع علم تغذیه است، فقیر می‌باشند. شکاف درآمدی نیز به میانگین نسبی کمبود درآمد فقیرها اشاره دارد. برای مثال، اگر خط فقر معادل ۱۰۰ ریال باشد و در یک گروه معین مثلاً کارفرماها دو فرد فقیر باشند و مجموع مخارج نفر اول ۶۰ و مجموع مخارج نفر دوم ۴۰ ریال باشد، در این صورت شکاف فقر این دو فرد به ترتیب ۴۰ و ۶۰ می‌باشد و میانگین شکاف فقر آنها ۵۰ ریال و میانگین نسبی شکاف فقر آنها نسبت به خط فقر (شکاف درآمدی) برابر با ۰/۵ می‌باشد. در ادامه، بحث شکاف درآمدی و درصد افراد فقیر برای جوامع شهری و روستایی و همچنین به اعتبار تقسیم‌بندی‌های مختلف ارائه شده است. توضیح اینکه برای محاسبه درصد افراد فقیر ابتدا مخارج کل تک تک افراد (خانوار) با خط فقر مقایسه و سپس افراد فقیر و غیر فقیر از هم تمیز داده شد و در نهایت درصد افراد فقیر محاسبه شد.

جدول ۸- مقایسه شکاف درآمدی و درصد افراد فقیر
بر حسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها

سال ۱۳۷۰	شکاف درآمدی	درصد افراد فقیر
شهر	۰/۳۶۳۷	۳۶/۷
روستا	۰/۳۴۱۸	۱۰
کشاورزی	۰/۱۹۱۸	۲۰
صنعت و معدن	۰/۳۸۳۷	۳۹
ساختمان	۰	۰
بانکداری	۰	۰
حمل و نقل و ارتباطات	۰/۳۱۳	۲۳
خدمات	۰/۲۸۸	۲۲
تجارت	۰/۳۶	۴۹
خدمات عام المنفعه	۰/۲۶۱	۱۴
سایر	۰/۳۲۴	۱۹
منطقه جغرافیایی ۱	۰/۳۷۹	۴۳
منطقه جغرافیایی ۲	۰/۳۲۴	۱۸
منطقه جغرافیایی ۳	۰/۳۷۸	۳۰
منطقه جغرافیایی ۴	۰/۴۰۳	۴۳
منطقه جغرافیایی ۵	۰/۴۰۸۷	۳۴
منطقه جغرافیایی ۶	۰/۳۲۰۹	۳۲
منطقه جغرافیایی ۷	۰/۳۸۲	۳۹
نیروهای مسلح و نامشخص	۰/۲۴۱	۱۱
علمی - فنی و تخصصی		
و عالی‌تره	۰/۳۶۶۶	۹

ادامه جدول ۸

درصد افراد فقیر	شکاف درآمدی	سال ۱۳۷۰
۱۲	۰/۳۰۹۲	اداری
۲۳	۰/۳۱۰	فروشنده
۲۶	۰/۳۰۷	خدمات
۳۵	۰/۳۴۵۵	حمل و نقل و ارتباطات
۳۰	۰/۳۲۲۸	سایر
۴۵	۰/۴۰۱	بی سواد
۲۸	۰/۳۳۳	ابتدایی
۱۶	۰/۳۰۷	راهنمایی
۸	۰/۳۱۲۲	دیپلستان دیپلم
۴	۰/۴۶۵۹	فوق دیپلم و لیسانس
-	-	بالتر از لیسانس
-	-	سایر
۳۱	۰/۳۶۳	۲۵ سال و کمتر
۳۱/۶	۰/۳۶۴	۲۶-۳۵
۳۳/۹	۰/۳۶۸	۳۶-۴۵
۳۳	۰/۳۶۹	۴۶-۵۵
۳۴	۰/۴۰۰۷	۵۶ به بالا
۲۳	۰/۳۳	کارفرما
۳۷	۰/۳۷۴	کارکن مستقل
۱۶	۰/۳۰۸	کارکن بخش عمومی
۴۶	۰/۳۸۹۳	کارکن بخش خصوصی
۵۲	۰/۳۸۹۰	کارکن فامیلی

همان مأخذ

جمع‌بندی

در این مقاله، فقر در ایران با دیدگاهی نسبتاً متفاوت با سایر مطالعات، بررسی شد و بر این نکته تأکید گردید که فقر و اندازه آن، بر آیندی از عوامل مختلف می‌باشد و هر یک از آنها تأثیر مشخص و معینی در سطح فقر دارند. اندازه فقر صرفاً در تعداد یا درصد فقیرها و یا شکاف فقر خلاصه نمی‌شود و برای اندازه‌گیری آن به شاخصی نیازمند می‌باشیم که هم درصد افراد فقیر و هم شکاف فقر و هم توزیع درآمد بین افراد را دربرگیرد. چنین شاخصی از این مزیت برخوردار است که تأثیر هر یک از عناصر مؤثر در فقر را به طور جداگانه اندازه‌گیری می‌نماید و برای رفع و یا کاهش فقر به طور مؤثرتری می‌توان هدف‌گذاری نمود. یافته‌های این مطالعه مؤید آن است که اندازه فقر در جوامع شهری بیشتر از جوامع روستایی است. خانوارهایی که سرپرست آنها در بخشهای ساختمانی، بانکداری فعالیت می‌کنند اساساً درگیر مشکل فقر نمی‌باشند. محاسبه شاخص «سن» برای مناطق مختلف جغرافیایی دلالت بر آن دارد که بیشترین میزان فقر مربوط به استانهای چهارمحال، کهگیلویه، ایلام و سیستان و بلوچستان است و استانهای تهران، فارس و اصفهان در مقایسه با سایر مناطق کشور از فقر کمتری برخوردار می‌باشند. خانوارهایی که سرپرست آنها دارای مشاغل علمی، فنی و تخصصی است در مقایسه با سایر حرف، کمتر دچار فقر می‌باشند و بیشترین فقر مربوط به خانوارهایی است که شغل سرپرست آنها در زیر «سایر مشاغل» طبقه‌بندی شده است. سایر مشاغل را شاید بتوان به بیکار و یا کارگران فصلی و افرادی که فاقد شغل معین می‌باشند، تعبیر نمود. یافته‌ها دلالت بر آن دارد که بیشترین میزان فقر نزد خانوارهایی است که سرپرست آنها بی‌سواد می‌باشد. با افزایش سطح سواد سرپرست خانوار، میزان فقر خانوارهای ایرانی کاهش می‌یابد. از طرف دیگر، با بررسی فقر خانوارها به اعتبار سن سرپرست خانوارها مشخص شد که خانوارهایی که سن سرپرست آنها بیش از ۵۶ سال است در مقایسه با سایر گروه‌های سنی، فقیرتر می‌باشند، و در واقع شدت فقر نزد خانوارهایی که سرپرست آنها بازنشسته می‌باشد، شدیدتر است که این امر شاید ناشی از آن باشد که در پرداخت مستمری به بازنشستگان، شاخص‌بندی چندان رعایت نمی‌شود.

منابع

۱. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی، سال دوم، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۳.
۲. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی، بهار ۱۳۷۳.
۳. پژوهش‌ها و سیاست‌های حمایتی از اقشار آسیب‌پذیر، معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی.
۴. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، مجموعه فقر، ۱۳۷۶.

5. Atkinson, A.B. **On the Measurement of Inequality**, J.Economic Theory, 2, 244-631970.
6. Foster, J. Greer, J, and Thorbecke, E., **A Class of Decomposable Poverty Measures**,. Econometrica, 52, 761-5 1984.
7. Johansen, F., **Poverty Reduction in East Asia**, World Bank Discussion paper, 1993.
8. Kakwan, N. **Efficient Estimation of the Lorenz Curve and Associated Inequality Measures from Grouped Observation**, Econometrica, 44, 137-148 1976.
9. Kauwani, N. **Application of Lorenz Curve in Economic Analysis**, Econometrica, 45, 719-27, 1977.
10. Kakwani, N. **On the Estimation of Consumer Unit Scale**, The Review of Economic and Statistics, 59, 507-10, 1977.

11. Kakwani, N. **On a Class of Poverty Measures**, *Econometrica*, vol,48 , 431 - 46, 1980 a.
12. Pyatt, G. **Measuring Welfare, Poverty and Inequality.**, the *Economic Journal*, 97, 459 - 467, 1987.
13. Pajooyan, J, *Iranian Economic Review*
14. SEN, A., **Poverty: An Ordinal Approach to Measurement**, *Econometrica*, 44, 219-31, 1976.
15. Takayam, N., **Poverty, Income Inequality, and Their Measures, Professor Sen's Axiomatic Approach Reconsidered**, *Econometrica*, Vol. 47, No3, 747-59, 1979.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی